

تهاجمی اسرائیل را اجتناب‌ناپذیر می‌کند، نشانه‌هایی از موازنه قدرت را نیز می‌توان در رقابت‌های منطقه‌ای ایران و اسرائیل مشاهده کرد. هریک از دو بازیگر یادشده ادبیات راهبردی و الگوهای کنش ایدئولوژیکی دارند که بر روند سیاسی و سیاست خارجی آنان تأثیر می‌گذارد. علت اصلی شکل‌گیری دولت پادگانی اسرائیل را شاید بشود در نشانه‌هایی از موازنه قدرت جست‌وجو کرد.

تاکتیک سلامتی هسته مرکزی تفکر راهبردی اسرائیل است. براساس چنین تفکری، امنیت ملی صرفاً از طریق جنگ‌های پیش‌دستانه حاصل می‌شود. ابزار لازم برای به کارگیری تاکتیک سلامتی را باید «بهبان جوی امنیت» دانست. هر موضوعی می‌تواند زمینه‌های بهانه‌جویی امنیتی را به وجود بیاورد. اسرائیل می‌کوشد تا امنیت خود را به قیمت نادیده گرفتن امنیت سایر بازیگران تأمین کند؛ به همین دلیل است که همواره از ادبیات امنیتی استفاده می‌کند و به موازات آن از قدرت نظامی بهره می‌گیرد.

بخش قابل توجهی از سیاست‌های اطلاعات نظامی اسرائیل به نقش نیروهای ایرانی در کشورهای منطقه‌ای مربوط می‌شود. اسرائیلی‌ها از سازوکارهای تبادل اطلاعات برای کسب داده‌های بیشتر بهره می‌گیرند. آنان شبکه گسترده‌ای از منابع را در جهان عرب درباره سایت‌های نظامی ایران و فرایند انتقال تجهیزات سازماندهی کرده‌اند؛ برای مثال، می‌توان به سایت‌هایی در منطقه مهران و بصره اشاره کرد. اسرائیلی‌ها به این موضوع اشاره کرده‌اند که سپاه پاسداران در صدد است تا محور قدرت خود را از ایران تا سوریه گسترش دهد. به هر میزان که ایران به اسرائیل نزدیک‌تر شود، تهدیدهای بیشتری برای اسرائیل ایجاد خواهد شد. بخش قابل توجهی از دیپلماسی منطقه‌ای اسرائیل برای کنترل محیط منطقه‌ای است.

شماکنش ایران را در مقابل آمریکا در نظر بگیرید؛ آیا کنش برابر بود؟ نه. کنش مبتنی بر جلوه‌هایی از بازدارندگی نسبی بود. ما پایگاه عین‌الاسد را زدییم به این دلیل که نشان دهیم برای ضربه زدن قابلیت لازم را داریم. برخی از مواقع دیدید که در کشتی کج، فرد می‌آید و یک صندلی راله می‌کند یا یک مشت به جایی می‌زند که آنجا فرومی‌ریزد؛ یعنی می‌تواند همین اقدام راروی طرف مقابل هم انجام دهد، ولی به دلایلی این کار را نمی‌کند. آن دلایل چیست؟ عقلانیت در کنش تاکتیکی و عملیاتی. اتفاقاً حوزه دفاعی جمهوری اسلامی روزبه‌روز عقلانیت بیشتری پیدا می‌کند و واکنش‌هایش کاملاً محاسبه شده‌تر صورت می‌گیرد. قدرت آن است که در حالت عادی آن را به کار نگیرد، ولی طرف مقابل بداند که این قدرت وجود دارد. ایران پایگاه عین‌الاسد را هدف‌گیری کرد. به عراقی‌ها هم گفت که این مکان هدف‌گیری خواهد شد. ممکن است بگویند این نشانه ضعف ایران است، اما تحلیل من این است که این نشانه عقلانیت ایران است؛ چون هم شما درگیر نمی‌شوید و هم تهدیدتان را عملیاتی می‌کنید. همچنین دومین الگویی که ایران باید داشته باشد و دارد، اما هنوز تئوریزه نشده، «بازدارندگی نامتقارن» است. این مطالبی که من می‌گویم شاید تئوریزه کردن، واقعیت کنش دفاعی ایران در برابر تهدیدات در سطح منطقه‌ای و تهدیدات در سطح جهانی است.

متوجه این شکاف قدرت در معادله کلاسیک بین آمریکا و ایران هستیم. منتها ما در خصوص اسرائیل صحبت می‌کنیم، به همین دلیل به طبع معادله تغییر می‌کند؛ یعنی آن مقدار هزینه پیش روی ما نیست و رقیب به مراتب ضعیف‌تر است. در کنار این، اشاره فرمودید که من دارم وضع جاری را تئوریزه می‌کنم. بخشی از این وضع جاری و وضع واقع ما، اراده‌ای است مبنی بر اینکه این رژیم غاصب است و باید از بین برود؛ پس باید راهبرد در راستا و متناسب با هدف گزینش شود. آیا این راهبرد به قواره آن هدف می‌نشیند؟

شما دارید از هدف سؤال می‌کنید؛ اما موضوع بحث، راهبردی است. اهداف در روابط بین‌الملل شامل کوتاه‌مدت،